

آیه ۱۰۱-۱۰۲

آیه و ترجمه

تِلْكَ الْقُرَى نَقِصَ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَبُوا مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ۱۰۱  
وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَانْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفْسَقِينَ ۱۰۲

ترجمه :

۱۰۱ - اینها آبادیهائی است که اخبار آن را برای تو شرح می دهیم آنها (چنان لجوج بودند که) به آنچه قبلا تکذیب کرده بودند ایمان نمی آوردند اینچنین خداوند بر دلهای کافران مهر می نهد (و بر اثر لجاجت و ادامه گناه حس تشخیص را از آنها سلب می کند).

۱۰۲ - و اکثر آنها را بر سر پیمان خود ندیدیم و اکثر آنها را فاسق و گنهگار یافتیم.

تفسیر :

در این دو آیه باز هم تکیه ، روی عبرتهائی است که از بیان سرگذشتهای اقوام پیشین گرفته می شود ، ولی روی سخن در اینجا به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است اگر چه در واقع هدف همه هستند نخست می گوید: اینها آبادیها و شهرها و اقوامی هستند که اخبار و سرگذشت آنها را برای تو بیان می کنیم (تلك القرى نقص عليك من انباءه

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۷۵

سپس می گوید: چنان نبود که آنها بدون اتمام حجت، هلاک و نابود شوند، بلکه «به طور مسلم پیامبرانشان با دلائل روشن، به سراغ آنها آمدند و نهایت تلاش و کوشش را در هدایت آنها کردند» (و لقد جائتھم رسلھم بالبینات). اما آنها در برابر تبلیغات مستمر، و دعوت پیگیر انبیاء مقاومت به خرج دادند و روی حرف خود ایستادند ، و حاضر نبودند آنچه را قبلا تکذیب کردند بپذیرند و به آن ایمان بیاورند (فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا من قبل). و از این جمله استفاده می شود که پیامبران الهی بارها برای دعوت و هدایت آنها قیام کردند ، اما آنها چنان روی دنده لجاجت افتاده بودند که حتی با روشن

شدن بسیاری از حقایق حاضر به قبول هیچ حقیقتی نمی‌شدند. در جمله بعد علت این لجاجت و سرسختی را چنین بیان می‌کند: این چنین خداوند بر دل‌های کافران نقش بی‌ایمانی و انحراف را ترسیم می‌کند و بر قلوبشان مهر می‌نهد (کذلک یطبع الله علی قلوب الکافرین). یعنی کسانی که در مسیرهای غلط گام برمی‌دارند، بر اثر تکرار و ادامه عمل، انحراف و کفر و ناپاکی آنچنان بر دل‌های آنها نقش می‌بندد، که همچون نقش سکه ثابت می‌ماند (و اتفاقاً معنی طبع در اصل لغت، نیز همین است که صورتی را بر چیزی همانند سکه نقش کنند) و این درحقیقت از قبیل اثر و خاصیت عمل است که به خداوند نسبت داده شده، زیرا مسبب تمام اسباب، و سرچشمه تاثیر هر مؤثر بالاخره او است، او است که به تکرار عمل، این خاصیت را بخشیده که به صورت «ملکه» در می‌آید. ولی واضح است که یک چنین گمراهی جنبه اجباری ندارد بلکه ایجادکننده اسباب، خود افراد انسان هستند، اگر چه تاثیر سبب به فرمان‌پروردگار می‌باشد (دقت کنید).

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۷۶

در آیه بعد، دو قسمت دیگر از نقطه‌های ضعف اخلاقی این جمعیتها که سبب گمراهی و نابودی آنها گردیده، بیان شده است. نخست می‌گوید آنها افرادی پیمان شکن بودند: و ما برای اکثریت آنها عهد و پیمان ثابتی نیافتیم (و ما وجدنا لا کثرهم من عهد). این عهد و پیمان ممکن است اشاره به عهد و پیمان فطری باشد که خداوند به حکم آفرینش و فطرت از همه بندگان خود گرفته است، زیرا هنگامی که به آنها عقل و هوش و استعداد داد مفهومی این بود که از آنها پیمان گرفته، چشم و گوش باز کنند، حقایق را ببینند و بشنوند و در برابر آن تسلیم گردند و این همان است که در آیات آخر همین سوره ذیل آیه ۱۷۲ به آن اشاره شده و تحت عنوان «عالم ذر» معروف است که به خواست خدا شرح آن در ذیل همان آیات خواهد آمد. و نیز ممکن است اشاره به عهد و پیمانهای باشد که پیامبران الهی از مردم می‌گرفتند، بسیاری از مردم آن را می‌پذیرفتند و سپس می‌شکستند. و یا اشاره به همه پیمانها اعم از «فطری» و «تشریعی» بوده باشد.

در هر صورت روح پیمانشکنی یکی از عوامل مخالفت با پیامبران و اصرار در پوئیدن راه کفر و نفاق و گرفتار شدن به عواقب شوم آنهاست. سپس به عامل دیگر اشاره کرده، می گوید: «اکثر آنها را فاسد و خارج از اطاعت فرمان یافتیم» (و ان وجدنا اکثرهم لفاسقین). یعنی روح تمرد و قانونشکنی و خروج از نظامات آفرینش و قوانین الهی یکی دیگر از عوامل ایستادگی و پافشاری آنها در کفر و بی ایمانی بود. باید توجه داشت که ضمیر اکثر هم به همه اقوام و جمعیت های پیشین باز می گردد، و این که می گوید اکثر آنها پیمانشکن و فاسد بودند برای رعایت حال اقلیتهائی است که به انبیای گذشته ایمان آوردند و وفادار ماندند، هر چند

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۷۷

گاهی مؤمنان بقدری محدود و معدود بودند که از یک خانواده تجاوز نمی کردند، ولی روح حقطلبی که بر سراسر آیات قرآن حکومت دارد ایجاب می کند که حتی حق این یک خانواده و یا افراد معدود رعایت گردد و همه این اقوام را منحرف و گمراه و پیمانشکن و فاسق معرفی نکند، و این موضوع جالبی است که مکرر در آیات قرآن با آن برخورد می کنیم.